



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۲۵/مهر/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۲۶ محرم ۱۴۳۹

تنبیه دوم: بررسی زمان استحقاق عقاب در مقدمات

مفوته

جلسه: ۸

سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

نتیجه بحث ما در جلسات گذشته این شد که واجبات غیریه ثواب و عقابی مستقل از ثواب و عقاب در واجبات نفسیه ندارند هر چند بیانات متفاوتی از این قضیه ارائه شده. ملاحظه فرمودید، اگر چه نظر امام خمینی از حیث نتیجه مانند محقق خراسانی بود ولی بیان و راهی که ایشان بیان کردند متفاوت بود. به هر حال نتیجه این شد که واجبات غیریه ثواب و عقابی مستقل ندارند.

تنبیه دوم: بررسی زمان استحقاق عقاب در مقدمات مفوته

اگر ترک واجب غیره و مخالفت با آن مستلزم استحقاق عقاب نیست؛ چنان چه شخصی مقدمه ای که مربوط به واجب استقبالی است را ترک کند، به نحوی که ترک این مقدمه موجب شود نتواند آن واجب را در ظرف خودش ایتیان کند، آیا عقابی که بر ترک واجب نفسی مترتب می شود از زمان ترک این مقدمه است یا از زمان ترک خود واجب نفسی یا ذی المقدمه؟ مثلاً روزه روز ماه رمضان یک واجب نفسی است که مکلف باید از فجر تا مغرب و در آن فاصله زمانی از اموری قریباً الی... امساک کند. اگر کسی قبل از فجر جنب شود، برای این که بتواند فردا روزه بگیرد باید قبل از فجر غسل کند. یعنی غسل قبل الفجر نسبت به روزه فردا یک مقدمه مفوته است که قبلاً در مورد آن بحث کردیم. مقدمه مفوته یعنی مقدمه ای که اگر ترک شود، دیگر بعداً قابل جبران نیست و اگر اکنون این مقدمه ترک شود و این غسل انجام نشود، دیگر بعداً امکان ایتیان به آن نیست و این ترک غسل موجب عدم امکان روزه فردا می شود و مکلف فردا نمی تواند روزه بگیرد. یعنی این گونه نیست که مکلف بگوید الان غسل نمی کنم و فردا صبح غسل می کنم، برخلاف غسل قبل از نماز که هر زمان قبل از نماز خواندن می تواند غسل کند. پس در مورد غسل قبل از روزه این امکان وجود ندارد یعنی «لو ترکت لفات ذی القدمه فی ظرفه»، اگر مقدمه ترک شود باعث می شود که واجب در ظرف خودش قابل ایتیان نباشد.

اما موضوع بحث در این تنبیه عبارت است از این که اگر مقدمه مفوته یک واجب غیره مانند غسل نسبت به روزه فردا باشد و فرض این است که واجب غیره نیز عقاب ندارد و اگر مکلف غسل نکند بخاطر غسل نکردن عقاب نمی شود، ولی چون این غسل نکردن باعث می شود صوم که یک واجب نفسی است ترک شود، عقاب بخاطر ترک صوم که یک واجب نفسی است شامل

مكلف می شود. یعنی شارع کاری با این ندارند که مكلف غسل کرده یا نه، بلکه می گوید چون روزه نگرفتی عقاب می شوی. پس استحقاق عقاب برای ترک واجب غیر نیست بلکه برای ترک واجب نفسی است. ولی آیا این استحقاق عقاب از زمان ترک واجب نفسی است، یعنی لحظه فجر که زمان استحقاق عقاب درست از زمان فجر شروع می شود، چنان چه مكلف قصد روزه نداشته باشد. یا زمان استحقاق عقاب از حین ترک مقدمه است. مثلا از دو ساعت قبل که می توانسته غسل کند و نکرده و بعد هم امکان غسل و تیمم نیز برایش نبوده آیا از آن زمان استحقاق عقاب پیدا می شود؟

پس موضوع نزاع و بحث زمان استحقاق عقاب بر ترک واجب نفسی است که بخاطر ترک واجب غیر این مشکل پیش آمده یعنی آیا از زمان مخالفت با خود واجب نفسی استحقاق آن پیدا می شود یا از زمان ترک واجب غیر یا به عبارت دیگر ترک مقدمه؟

اقوال

محقق خراسانی در کفایه می فرماید: از حین ترک مقدمه مكلف مستحق عقاب می شود. یعنی از زمانی که غسل را ترک می کند نه از اول فجر. در مقابل بسیاری از بزرگان از شاگردان ایشان و غیر شاگردان ایشان و از جمله شیخ انصاری استاد محقق خراسانی معتقدند استحقاق عقاب از زمان ترک خود واجب نفسی پیدا می شود.

مبنای قول اول: از زمان ترک واجب غیر

محقق خراسانی در باب تجری مبنایی دارد. ایشان معتقد است خود تجری مستلزم عقاب است. این طور نیست که با ترک فعلی و اطاعت و عصیان فعلی، ثواب و عقاب مترتب شود. ایشان می فرماید: متجری مستحق عقاب است، اما این که عقاب نمی شود سخن دیگری است. ولی ایشان متجری را مستحق عقاب می داند. متجری یعنی کسی که به زعم خودش مخالفت با امر و نهی مولا می کند، در مقابل منقاد یعنی کسی که به زعم خودش اطاعت مولا می کند. کسی که لیوان آب را به گمان شراب می خورد مرتکب حرام نشده، ولی جرات و جسارت در مقابل مولا به خرج داده و کسی که اتقیاد دارد، یعنی به گمان این که مولا چیزی را حرام کرده از آن اجتناب کرده ولی در واقع حرام نیست. چنین شخصی استحقاق پاداش دارد و باید تشویق شود.

طبق این مبنا قهرا محقق خراسانی معتقد است کسی که می داند این واجب غیر اگر ترک شود نمی تواند به واجب نفسی در ظرف خودش عمل کند، متجری است و مستحق عقوبت است. مكلفی که می داند اگر اکنون غسل نکند نمی تواند روزه فردا را بگیرد قهرا از همین اکنون که غسل را ترک می کند مستحق عقاب است؛ با این که غسل یک واجب نفسی نیست و مقدمه است برای روزه فردا و خودش فی نفسه عقاب و ثواب ندارد اما چون این غسل اگر ترک شود دیگر امکان عمل به امر به صوم نیست و مكلف از همان زمان که مقدمه را ترک می کند مستحق عقاب است.

مبنای قول دوم: از زمان ترک واجب نفسی

در مقابل عده ای می گویند: این شخص از حین ترک مقدمه مستحق عقاب نیست. درست است که مكلف مقدمه را ترک کرده و ترک این مقدمه باعث شده که نتواند به ذی المقدمه عمل کند مثلا ترک غسل باعث شده که روزه فردا را نتواند بگیرد اما زمان استحقاق عقاب همان زمان ترک واجب نفسی است. یعنی از زمانی که واجب نفسی در ظرف خودش امتثال نشود استحقاق عقوبت پیدا می شود؛ اما قبل از آن استحقاق عقوبت نیست زیرا نهایت چیزی که با این کار عبد کشف می شود تجری است. یعنی این شخص اکنون باید غسل کند ولی نمی کند و می داند اگر این غسل را انجام ندهد، فردا روزه نمی تواند بگیرد، لذا این شخص

متجری است. یعنی بنا بر مقابله با مولا را دارد ولی هنوز به مرحله عمل نرسیده. لذا زمانی می توانیم به او مطیع یا عاصی بگوییم که زمان واجب نفسی برسد یعنی تا قبل از زمان فجر هنوز وجوب صوم فعلیت پیدا نکرده، لذا نمی توانیم بگوییم او مخالفت با مولا کرده ولی بعد فجر می توانیم به او بگوییم عاصی یعنی قبل فجر بنای ناسازگاری دارد ولی هنوز عملی انجام نداده.

لذا چون محققین بر این عقیده اند که تجری مستلزم عقاب نیست و متجری و منقاد ثواب و عقاب ندارند. تجری حاکی از یک خبث ذاتی و سوء سریره و خبث فاعلی است و اگر بنای بر موافقت داشته باشد، حاکی از حسن سریره است، یعنی آدم خوش قلب و خوش باطنی است.

پس ملاحظه کردید که مطلب در این موضوع زمانی روشن می شود که مبنایمان را در باب تجری معلوم کنیم. یعنی اگر قائل به استحقاق عقاب برای متجری باشیم قهرا باید در این موضوع معتقد شویم که از زمان ترک مقدمه استحقاق عقاب پیدا می شود. اما اگر قائل شدیم متجری عقاب ندارد، باید بگوییم مکلف از زمان ترک خود واجب نفسی استحقاق عقاب پیدا می کند و از آن جا که حق این است که تجری عقاب ندارد در این مسئله ملتزم می شویم به این که استحقاق عقاب از زمان ترک واجب گیری پیدا نمی شود بلکه از زمان ترک واجب نفسی حاصل می گردد.

سوال:

جواب: قدر متیقن از تجری هایی است که شخصی قصد انجام گناه داشته باشد و فعلی انجام دهد و بعد معلوم شود که اصلا گناه نبوده، اما کسی که قصد انجام گناه می کند ولی هیچ گناهی نمی کند مثل این که قصد دزدی کند، این هم یک مرحله از تجری است. ولی بعضی از روایات وجود دارد که می گوید این ها یک آثار وضعی دارد. به هر حال این ها خودش عزم بر گناه است.

به عبارت دیگر: عناوینی مثل مقدمه، اعانه بر حرام، تسبیب بر حرام و قصد بر حرام این عناوین گاهی متداخل و گاهی جدای از هم هستند. یعنی ممکن است گاهی خودش به تنهایی مقدمه حرام باشد و صدق مقدمه حرام بر آن کند و اعانه بر حرام هم باشد. ولی گاهی عنوان مقدمه حرام باشد ولی اعانه بر حرام نباشد. این جا از حیث مقدمیت ارتکاب مقدمه حرام، حرام نیست اگر کسی برای دیگری مقدمه ای فراهم کرد که مرتکب حرام شود، این جا صدق مقدمه حرام می کند ولی مقدمه حرام، حرام نیست. اگر اعانه بر حرام صدق کند این جا می شود حرام؛ زیرا خود عنوان اعانه بر حرام مستقلا موضوع حرمت است. این جا نیز همین است. عنوان عزم بر گناه خودش یک عنوان است. مرحله بعد اتیان به مقدمات حرام نیز یک عنوان دیگر است. ما می گوییم عزم بر گناه حرام نیست، البته آثار سوء باطنی دارد، تجری در واقع یعنی این که کسی کاری کند به گمان این که دارد مخالفت می کند ولی فی الواقع مخالفت نیست ولی دامنه تجری قابل توسعه است و ما می توانیم این مراتب را مرتبه ای از تجری بدانیم. خود عزم بر مخالفت مولا مرتبه ای از مراتب تجری است. این طور نیست که این مفاهیم یک مرز بندی آهنین داشته باشد که نتوانیم ما این توسعه یا تضییق را انجام دهیم.

خلاصه بحث:

اگر واجب گیری ترک شود به نحوی که در آینده امکان انجام واجب نفسی برای مکلف نباشد می گوییم استحقاق عقاب بخاطر ترک واجب نفسی پیدا شده است. حال سوال این است از حین ترک مقدمه و ترک واجب گیری مستحق عقاب است یا از حین ترک واجب نفسی.

اگر بخواهد از حین ترک واجب گیری مستحق عقاب شود فقط بر مبنای استحقاق عقاب برای متجری می تواند مستحق آن شود وگرنه وجه دیگری ندارد. تنها مسئله ای که می توان به عنوان دلیل بر استحقاق عقاب مکلف از زمان ترک مقدمه استفاده کرد تجری است.

پس تنها ملاکی که می تواند مبنای سخن محقق خراسانی باشد همین است ولی ما می گوییم تجری مستحق عقاب نیست.

بحث جلسه آینده:

محقق اصفهانی موضوع این بحث را چیز دیگری قرار داده است. ایشان معتقد است ترک واجب گیری عقاب ندارد اما بیان ایشان یک بیانی است که خالی از اشکال نیست.

«الحمد لله رب العالمین»